

گوزپشت نتردام در صدر جدول آثار پر فروش دنیا نشست

# قدرت بی بدیل ادبیات



فسانه فردان

به تصویر کشیده است که مذهب را دستمایه امیال شوم خود کرده بودند. دیوارهای نتردام شاهدانی بر سیاهی و سفیدی مردمان بوده است و گاه در سکوت و گاه با فریاد یک کلمه کنده کاری شده روی دیوار آن، حرف زده است. زمانی که ویکتور هوگو این رمان را شروع به نوشتن کرد، نتردام در حال ویرانی و فروپاشی بود. هوگو در سال ۱۸۳۱ این رمان را نوشت، اما ۲۵ سال بعد کلیسای نتردام بازسازی شده بود. ویکتور هوگو حدود ۳۰ سال بعد از نوشتن «نتردام پاریس» رمان شاهکار بیوایان را نوشت و به ناگهان به شهرت و محبوبیتی شگفت‌انگیز در سراسر اروپا دست یافت. ویکتور هوگو در باره جرقه نخستین نوشتن این رمان در مقدمه نوشته است: «چندسال پیش، نویسنده برای انسان‌های واقعی و از طرف دیگر جولانگاهی برای کشیشان ناباب بودن،

در یکی از زوایای تاریک برج‌های آن واژه ANATKH را که دستی عمیقاً بر یکی از دیوارها کنده بود، دید. کسی که این واژه را بر دیوار برج کلیسای نتردام نقش زده بود، چندین سده پیش، از جهان رخت بریسته و نوشته او هم به دنبال وی ناپدید شده است. پایان عمر کلیسای نتردام بسیار نزدیک است. کتاب حاضر درباره سنگ نوشته مزبور نوشته شده است.»

**آیا هویت گوزپشت نتردام واقعی است؟**

سال ۲۰۱۰ پژوهشگران اعلام کردند که هنری سیسن، تندیسگر بریتانیایی در یادداشت‌هایش به همکاری گوزپشت اشاره می‌کند و می‌نویسد: «با استاد تراجان ملاقات کردم. موقرتین و دوست‌داشتنی‌ترین مردی که تا به حال زندگی کرده است. او سنگ تراش دولت و همچنین یک گوزپشت است.»

آن چه اندکی از میزان اندوه جهانیان می‌کاست، جاودانگی نتردام در واژه‌ها و قصه‌ها و ادبیات بود. انگار تمام نظاره‌گران به حد کفایت با نتردام زیسته و حالا به پایان قصه‌اش رسیده بودند. اما ماجرای رمان نتردام پاریس یا به قول ایرانیان «گوزپشت نتردام» تازه آغاز شده بود؛ زمانی که در زمانه انتشارش شهرت چندانی برای ویکتور هوگو به ارمان نیاورد و منتقدان ادبی هرگز آن را وارد ادبیات نکرده و در زمره آثار نخبه‌گرا قرار ننگرفت، اما اکنون در حالی که نزدیک به ۲۰۰ سال از نوشتن آن می‌گذرد، به یک باره روح نتردام و نماد قدمت پاریس در آن حلول می‌کند و از ساعاتی بعد آتش‌سوزی کلیسای نتردام، این رمان به صدر جدول آثار پر فروش در دنیا می‌رسد.

تمام ترجمه‌های آن در کتاب‌فروشی‌ها و به‌ویژه در آمازون در صدر فروش قرار می‌گیرد. اکنون که دوباره این رمان از انبارهای کتاب‌فروشی‌ها بیرون آمده، می‌توانیم جادوی ادبیات را در ریایم و مضاف بر آن بفهمیم که عدم درک مفاهیم عمیق پنهان در این رمان، چه جفایی در حق آن کرده است.



**گوزپشت نتردام در زمان انتشارش شهرت چندانی برای ویکتور هوگو به ارمان نیاورد و منتقدان ادبی هرگز آن را وارد ادبیات نکرده و در زمره آثار نخبه‌گرا قرار ننگرفت**

آیا ویکتور هوگو از تراجان، سنگ‌تراش گوزپشت نتردام برای داستانش الهام گرفته است؟ هیچ‌بعدم نیست. اکنون کلیسای نتردام پیش چشمان میلیون‌ها نفر در سراسر جهان فرو ریخت. بی‌شک بسیاری از ناظران این اتفاق هولناک، علاوه بر این که در فکر فرو ریختن زیبایی و تاریخ ۸۰۰ ساله بودند، به کازیمودو، گوزپشت نتردام هم فکر می‌کردند. اما

**یادداشت**

**کمی مزخرفات بخوانیم**

آبان مصدق



چشمم به کتاب که خورد، عنوانش کمی توی ذوقم زد؛ فکر کردم این دیگر چه تیر مزخرفی است که مؤلف می‌توانسته انتخاب کند. کتاب را که برداشتم تاببینم چه مزخرفی نوشته است، اسم رضا شکراللهی برق از کلامه پرانند. می‌شناختمش؛ از سایت خوبگرد و بیش و پیشتر از آن، از نامش به‌عنوان ویراستار برخی کتاب‌هایی که خوانده‌ام بود. روزنامه‌نگاری‌اش به حافظه من قدمی داد. خلاصه خریدن مزخرفات فارسی شرط عقل بود و چشمم آب‌نمی‌خورد چیز دندان‌گیری باشد. تردید نداشتم که از ریختن بولم توی جوسی آب، خودم را لعن و نفرین می‌کنم. چند روزی روی میز تحریر افتاده‌ام و بار که می‌دیدم با خودم بیچ‌می‌کردم که: «این دیگر چه اسم مزخرفی است!» خواندن مزخرفات فارسی برایم مثل خوردن ساندویچی بود که دوست نداشتم، اما چون پولش را داده بودم، می‌خوردمش که حیف و میل نشود. یک چیزی تو مایه‌های زهر هلاهل. کتاب را که شروع کردم نثر ساده و همراه با طنز، مرا نشانده‌سر جایم و بلند نشدم که نشدم. انگار داشتم جذاب‌ترین رمان ایرانی‌رمی خواندم. رضا شکراللهی با درایتی مثال‌زدنی انگشت روی مشکلاتی از نکات ویرایش زبان گذاشته بود که اغلب آن قدر روزمره شده‌اند که به‌سادگی از کنار آن‌ها می‌گذریم. نکاتی که در کتاب‌های ویراستاری یافت نمی‌شد و اساتید تروبه از دیداد ویراستاری اشاره‌ای به آن‌ها نمی‌کردند. زبان طنز و رک و صریح شکراللهی به خواندن نکته‌های مهم ویرایشی جذابیتی داده بود که یقین‌اگر این طنز را از زبان بگیریم، کتاب به کتاب خشک و ویراستاری بدل می‌شود. خلاصه که شیرین بود عین عسل. خواندن این کتاب که نشر ققنوس آن را منتشر کرده است، به تمام مخاطبان در هر سن و در حرفه‌ای پیشنهاد می‌شود.

**نقد**

**زندگی کردن ممنوع!**



کوروش اسدی در تیرماه سال ۹۶ در حالی به مرگ خودخواسته تن سپرد که آخرین رمانش، «کوچه ابراهای گمشده» ۱۰ سال در وزارت ارشاد معلق مانده بود و مجوز چاپ کتاب‌های دیگرش نیز را باطل کرده بودند. ممنوع‌القلمی، ممنوع‌الچاپ شدن و ممنوع‌الکاری، برای کوروش اسدی دقیقاً یعنی: «زندگی کردن ممنوع». خلاقیت و قلم توانای کوروش اسدی که زیر خروارها خاک مدفون شد، کوچه ابراهای گمشده مجوز گرفت و در مدت کوتاهی به چاپ چهارم رسید. دیگر آثارش نیز از توقیف درآمدند. حال‌الدنیا به کام نویسنده مرده‌ای بود که در قطعه هنرمندان بهشت زهرا دفن شد. حال‌امی توانست درآمد اندک حاصل از فروش کتاب‌هایش را خرج خانواده‌اش کند، اما یکی از اسراری که هنوز در تاریخ حل نشده باقی مانده است، این مجوز دادن و مجوز باطل کردن وزارت ارشاد است. هیچ کسی نمی‌داند که چرا به کتابی که ۱۰ سال مجوز ندادند، ناگهان مجوز دادند و چرا دوباره مجوزش را باطل کردند. خبرگزاری ایسنا این خبر را منتشر کرد و از آنگاه چهارمحالیان صحت ماجرا را جویا شدیم و دلیل توقیف کتاب را پرسیدیم. درست همین هنگامه نمایشگاه بین‌المللی کتاب، وزارت ارشاد حکم توقیف صادر کرده و دلیلی هم نیاورده است. آیا این نتیجه پر خورد سلیقه‌ای اداره کتاب و وزارت ارشاد نیست؟

**نمایشگاه کتاب تهران شروع به کار کرد**

## خواندن، توانستن است، اما...

کتاب «در طلب زرتشت» بیش از آن که تلاشی برای یافتن زرتشت باشد، تلاشی است برای شناخت وسعت «ایرانیّت» و مطالبی که مطرح یا کشف می‌کند، خواننده را به‌تازده می‌کند. آیا به‌راستی ایرانیان یا بخشی از «ایرانیّت» در جریان سقوط امپراتوری روم و پیدایش قرون وسطا دست داشته‌اند؟ آیا جمعی از ایرانیان برای نگهبانی از دیوار رومی به انگلستان رفته و همان‌جا ماندگار شده و در آن جامعه حل شده‌اند؟ آیا تأثیر کیش عجیب و غریب مهر پرستی تارو وی‌ای امروز هم رسیده است؟ مؤلف این کتاب راهی سفر پژوهشگرانه‌ای شده و همه نشانه‌ها را به دقت تحلیل کرده و سپس روایت کرده است.

**نُه داستان**

جی.دی. سلینجر  
مترجم: کلاوهر میرعباسی

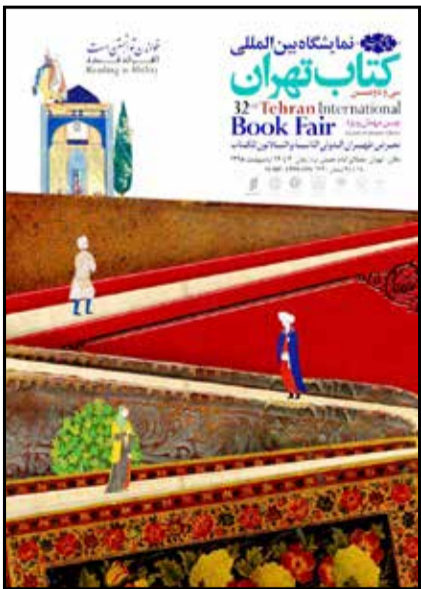
نشر ماهی

سلینجر در طول دوران زندگی‌اش بسیار نوشت، اما تنها بخش اندکی از آن‌ها منتشر کرد. نُه داستان که در سال ۱۹۵۳ به چاپ رسید، بی‌شک یکی از مشهورترین و اثرگذارترین کتاب‌های اوست. تنوع مضامین این مجموعه به‌راستی حیرت‌انگیز است و بی‌جهت نیست که این کتاب چنین شهرت عالمگیری پیدا کرده است.

**بیرون در**

محمود دولت‌آبادی  
نشر چشمه

«بیرون در» تازه‌ترین اثر رمان‌نویس بزرگ ایران، محمود دولت‌آبادی است که ثابت کرده حتی با پشت سر گذاشتن دهه هشتاد زندگی‌اش همچنان قلمش نویسنده و همچنان



علمی و دیرین‌ترین پرسش‌های فلسفی، بر آن می‌شود تا ما را از دنیای شتاب‌زده دیجیتال که محور اصلی جوامع مصرفی کنونی است، برکنده و به خود آورد.

**مدار توحش**

ناتاشا آیانا  
مترجم: مرضیه‌آرمین

نشر افق

«مدار توحش» رمان ناتاشا آیانا (متولد ۱۹۷۳) نویسنده فرانسوی با اصالت می‌ریتانی است که در سال ۲۰۱۶ انتشارات گالیپار در فرانسه منتشر کرد و نامزد جایزه‌ی «گنکور» و «فمینا» در همان سال شد، همچنین وی جوایز ادبی دیگری دریافت کرده است. این نخستین کتاب اوست که به فارسی ترجمه می‌شود.



در ردیف رمان‌نویسان پرکار ایران قرار دارد. با وجود این که کلنل محمود دولت‌آبادی هنوز در لیست سیاه میزبانان مانده است، در این سال‌ها او توانسته چند اثر دیگر را به چاپ برساند. یادیداد این رمان نویسنده اقلیمی اکنون چه‌فضاهای چه شخصیت‌هایی را برای رمانش برگزیده است.

**ذهن و زمان**

کرامت موللی  
نشر نی

خواب چیست و رویا کدام است؟ آیا چنین پرسشی می‌تواند ما را از خواب غفلت بیدار کرده، به‌جای این که تصویری وهم‌آلود و خودشیفته‌ما به دست‌دهد، ما را ناهنگام در دل امر واقع به‌خود رهاسازد تا خوف و جارا به عین‌بیزماییم. بر اساس چنین رویکردی منحصربه‌فردی است که کتاب حاضر با تکاپو آخرین کشفیات